

آسیب شناسی اجتماعی: مباحث روش شناختی

بایرامعلی رنجگر^۱

هدف پژوهش حاضر، بررسی مفاهیم آسیب شناسی اجتماعی، عدم مشارکت جدی روان شناسان در مطالعه ی آسیب های اجتماعی، کاستی های کاربرد جداگانه ی مدل های جامعه شناختی و روان شناسی در مطالعه ی آسیب شناسی اجتماعی و طرح های پژوهشی به کار رفته در آنها است. بدین منظور، پژوهش های انجام شده گزارش شده در مجلات معتبر واریسی شدند. نتایج این بررسی ها نشان می دهد که اکثر پژوهشها پارادایمی پوزیتیویستی داشته از راهبردهای قیاسی و در مواردی محدود از راهبردهای استقرایی استفاده کرده اند و اکثر روش های آنها مقایسه ای و همبستگی است. به نظر می رسد پژوهشگران حوزه های جامعه شناسی و روان شناسی باید در جهت آشنایی، تبادل نظر و تشریک مساعی در مسایل پژوهشی مشترک اقدام شود.

واژه های کلیدی: نظریه های آسیب شناسی، راهبردهای پژوهشی، طرح های پژوهشی و روش های تحلیل

مقدمه

هیچ روزی بدون اخباری از بزهکاری نوجوانان و جوانان شب نمی شود و این اعداد و ارقام، سال به سال تغییر می کند؛ به عنوان مثال، نرخ بزهکاری در ایالات متحده در اواخر دهه ی ۱۹۸۰ و اوایل دهه ی ۱۹۹۰ نسبت به یک نسل قبل بالاتر بوده است (لاندمن، ۱۹۹۳ از شومیکر، ۲۰۱۰). همزمان با بحران های اقتصادی و مشکلات اجتماعی، بزهکاری نیز افزایش می یابد. رفتار جنایی و بزه نوجوانان و جوانان شامل تمام انواع فعالیت ها و اقدام های بزهکارانه می شود که تقریباً طیف مختلفی از نوجوانان و جوانان مرتکب به آن می شوند. بزرگسالان، همواره نسبت به رفتار نامناسب نوجوانان و جوانان خود نگرانند. شاید چنین نگرانی و توجهی ناشی از این برداشت باشد که آینده ی ملت و کشور بر رشد و تحول این افراد متکی است و شاید منشا نگرانی نسبت به رفتار انحراف آمیز آنها این باشد که اگر برای نوجوان بزهکار کاری انجام نشود، در آینده تبدیل به یک مجرم و فرد ضد اجتماعی می شود. معمولاً، بزرگسالان از خودشان چنین

۱. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن. ایران ranjgar@riau.ac.ir

سوالاتی می‌پرسند که چرا یک نوجوان بزهکار می‌شود؟ بزهکاری چیست و چه کاری می‌توان برای پیشگیری و کنترل آن انجام داد؟ همگام با نظریه‌های قدیمی جن‌شناسی که علت بزهکاری را تسخیر نوجوان (به طور کلی فرد) توسط اجنه و شیاطین در نظر می‌گرفتند، نظریه‌های جدیدتری نیز شکل گرفته‌اند که علت را به طیفی از مسایل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و زیستی مربوط می‌دانند. به رغم پژوهش‌های انجام شده از سوی پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی، هنوز هم باید در مورد بزهکاری نوجوانان، علل بزه و راه‌های پیشگیری از آن پژوهش کرد. اکثر پژوهش‌های انجام گرفته، رویکردی تک بعدی نسبت به مساله‌ی بزهکاری نوجوانان داشته است و از طرف دیگر کارهای بنیادی در راستای پیشگیری آن انجام نشده است؛ به عنوان مثال، پژوهش‌های انجام گرفته در بعد روان‌شناختی، مثلاً رابطه‌ی فرزند با والدین، نشان می‌دهد که روابط میان نوجوان بزهکار و پدرش معیوب است (واتابه از کوآراسوس، ۱۹۶۶).

در پژوهشی روی ۵۰۰ نوجوان بزهکار و مقایسه‌ی آن با ۵۰۰ نوجوان غیر بزهکار مشخص شد که متوسط بهره‌ی هوشی نوجوانان بزهکار معمولاً کمتر از نوجوانان غیر بزهکار است؛ آنها علاقه‌ی تحصیلی ندارند افرادی نا آرام و بی‌قرارند؛ با معلمان و سایر کارکنان مدرسه، انس و الفتی ندارند؛ از لحاظ رشد عاطفی (هوش هیجانی) محرومند؛ وظیفه‌شناس نیستند؛ احساس مسوولیت نمی‌کنند؛ نسبت به دیگران بی‌تفاوت‌اند و از نظر عاطفی بی‌ثبات‌اند. از لحاظ شخصیتی نیز بی‌میل، خصومت‌آمیز، بدگمان خودمحور، ویرانگر برونگرا و منزوی‌اند (شعاری نژاد، ۱۳۷۳). در زمینه‌ی وضعیت اجتماعی و اقتصادی، پژوهش‌ها حاکی از آن است که نزدیک به ۴۸ درصد پدران این افراد، بی‌سواد و ۲۶ درصد تحصیلات ابتدایی دارند. همچنین ۶۰ درصد مادران نوجوانان بزهکار بی‌سواد یا کم‌سوادند. درصد بالایی از انواع بزهکاران در میان پسران طبقات پایین اجتماع است و فقر اقتصادی به عنوان یکی از عوامل موثر در بزهکاری محسوب می‌شود. از لحاظ خانوادگی، نتایج پژوهش‌ها حاکی از این است که خانواده‌ی نوجوانان بزهکار، دارای روابط نامناسبی است و نوجوانان بزهکار، کمتر از والدین خود مشورت می‌گیرند. همچنین، در خانواده‌هایی که از هم گسیختگی و نابسامانی دارند، والدین، سو رفتار بیشتری نسبت به نوجوانان خود اعمال می‌کنند و میزان جرم در آنها بیشتر است (صدفی و مهدوی، ۱۳۷۴). آنچه که اکنون به عنوان حوزه‌ی آسیب‌های اجتماعی مورد تدریس و پژوهش قرار می‌گیرد، معادل انگلیسی مشکلات اجتماعی^۱ و در سال‌های اخیر

مسائل اجتماعی است که با ورود جامعه‌شناسی در محافل آکادمیک و جامعه مطرح شده است. همانطور که از صفت این عبارت بر می‌آید، از لحاظ تاریخی و سنتی، جامعه‌شناسان بیشترین سهم را در مطالعه‌ی آن به عهده داشته‌اند. تنها در چند سال اخیر، شاهد چاپ مقالات پژوهشی از سوی روان‌شناسان بوده‌ایم. بالطبع، جامعه‌شناسان از نقطه نظر جامعه‌شناختی و روان‌شناسان، از دیدگاه روان‌شناختی به سراغ فیل مورد نظر رفتند شاید در گذشته، روان‌شناسان نسبت به مطالعه‌ی مسائل اجتماعی تمایل کمتری نشان داده‌اند و این کار را به سایر متخصصین نهاده‌اند در حالی که جامعه‌ی فعلی، از نظر ساختار خانواده، اقتصاد و سیاست متفاوت از گذشته است. شکل‌گیری روان‌شناسی انتقادی در سال‌های اخیر، واکنشی به این نادیده‌انگاری (نادیده‌انگاری) روان‌شناسان است. البته قصد اتهام و سهل‌انگاری نیست بلکه تقاضا برای ورود جدی و بیشتر به این حوزه‌ی پژوهشی است.

آسیب‌های اجتماعی، شامل طیف وسیعی از اعمال و رفتارهای است که منجر به انحراف از هنجارها و قوانین مصوب جامعه می‌شود. اگر این تخطی در افراد زیر ۱۸ سال انجام شود، آن را بزه و فرد را بزهکار قلمداد می‌کنند ولی در سنین بالا نیز فرد به عنوان مجرم طبقه بندی می‌شود. از آنجا که هنجارها در طول زمان و مکان تغییر می‌کند، مصداق‌های آنها نیز فرق می‌کند. جدای از طرز تلقی جوامع از انواع آسیب‌های اجتماعی، این رفتارها قابل تحمل نیستند. مباحث مربوط به ملاک‌های رفتار ناهنجار در آسیب‌شناسی روانی، در آسیب‌شناسی اجتماعی نیز قابل تعمیم است.

از مباحث فوق، چنین می‌توان نتیجه گرفت که آسیب‌های اجتماعی، مفاهیمی است که بسته به ارزشها و هنجارهای هر جامعه‌ای ساخته یا باز آفرینی می‌شوند و اکثریت اعضای جامعه آن را تحمل نمی‌کنند.

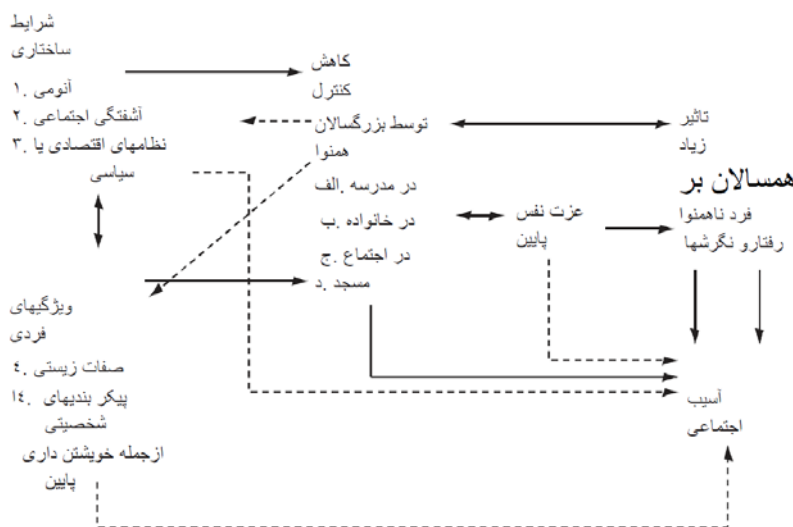
رویکردهای آسیب‌شناسی اجتماعی

در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی، نظریه‌های متعددی ارائه شده است. در این مقاله، قصد توصیف تمام این نظریه‌ها را نداریم بلکه هدف، بیان تنوع و گستردگی طیف این نظریه‌هاست. کافی است نگاهی به فهرست زیر بیاندازید: ۱. مکتب کلاسیک، ۲. نظریه‌ی انتخاب عقلانی، ۳. تبیین‌های زیستی و زیستی-روانی، ۴. نظریه‌های روان‌شناختی، ۵. رویکرد روان‌پزشکی-روانکاوی، ۶. رویکرد شخصیتی، ۷. آشفستگی اجتماعی، ۸. ناهنجاری‌های اجتماعی، ۹. نظریه‌های مبتنی بر طبقه‌ی پایین، ۱۰. نظریه‌های مبتنی بر طبقه‌ی متوسط، ۱۱. نظریه‌ی ساختار فرصت‌های متفاوت، ۱۲. نظریه‌ی فرهنگ طبقه‌ی پایین میلر، ۱۳. تبیین‌های بین فردی و موقعیتی، ۱۴. نظریه‌های کنترل، ۱۵. نظریه‌های برجسب‌زدن، ۱۶. نظریه‌ی

رادیکال بزهکاری ۱۷. نظریه ی بزهکاری مونث و ۱۸... و شاید هنگام نوشتن این مقاله، چندین نظریه ی دیگر در راه باشد. هر چند این نظریه ها با توجه به ویژگی های یک نظریه ی خوب، آزمون و در نهایت تایید یا مورد عدم تایید قرار می گیرد با این حال، گستردگی آنها حاکی از این است که داستان فیل شناسی از نوع هزار و یک شبی است و تنها روایت های تازه ای از آن گزارش می شود.

مشکل آسیب های اجتماعی، قرنهاست که ادامه دارد و هنوز پاسخ روشنی دریافت نکرده است. از یک طرف، جامعه یا کشوری را نمی توان فرض کرد که در آن چنین مشکلاتی وجود نداشته باشد بلکه نوع و شدت هر کدام فرق می کند. از طرف دیگر، طرح چنین مباحثی دال بر بی ثمر بودن نظریه ها یا یافته های پژوهشی نیست.

به بیان کلی، اگر پژوهشگری با هر نوع گرایشی بخواهد در زمینه ی آسیب های اجتماعی اقدام به پژوهش کند، باید از تبیین های مختلف آگاهی داشته باشد؛ به عنوان مثال، شومیکر (۲۰۱۰) بعد از ارزیابی نظریه ها و رویکردهای متعدد بزهکاری، مدل تقریباً یکپارچه ای^۱ از تبیین کننده های بزهکاری به طور خاص و آسیب های اجتماعی به طور کل مطرح می کند. از لحاظ ارزش آموزشی، مدل پیشنهادی وی همراه با تغییرات جزئی ارایه می شود (از نظر شومیکر، ۲۰۱۰).



1. Integrated Model

این مدل شباهت زیادی به مدل های پیشنهادی جانسن (۱۹۷۹) امپی (۱۹۸۲) الیوت و همکاران (۱۹۸۵) و ها و کینز و لیسنر (۱۹۸۷) دارد. پیکان های پررنگ افقی حاکی از رابطه ی نیرومند زنجیره ایی، پیکانهای کم رنگ حاکی از روابط ضعیف تر و پیکان های دوطرفه نشان دهنده ی رابطه ی دوطرفه ی بین متغیرهاست. این مدل سه سطح از مفهوم سازی را در بر می گیرد. سطح اول، ساختاری (یعنی شرایط اجتماعی) سطح دوم، فردی (زیستی و روان شناختی) و سطح سوم، روانی اجتماعی (کنترل های اجتماعی، عزت نفس و روابط با همسالان) است.

آنچه این مدل نظری از قبل به پژوهشگران علوم اجتماعی، روان شناسی، جرم شناسی و سایرین متذکر می شود، این است که پیش از بیان مساله و صورت بندی فرضیه (ها) به این مدل یکپارچه یا مدل های یکپارچه ی کارآمدتر دیگری مراجعه و سپس اقدام به طراحی پژوهش کنند و گرنه باید شاهد روایت دیگری از "فیل شناسی" باشیم. به عنوان مثال، اگر جامعه شناسی بخواهد رابطه ی بین آشنفتگی های اجتماعی یا نظام های اقتصادی- سیاسی با بزهکاری را بررسی کند، باید از این نکته مطلع باشد که بزهکاری با ویژگی های شخصیتی و عزت نفس پایین رابطه دارد. یا اینکه روان شناس باید بداند که فقط عوامل شخصیتی، سبکهای فرزند پروری و مقابله نیست که با اعتیاد رابطه دارد بلکه کنترل های اجتماعی یا بحرانهای سیاسی و اقتصادی نیز می تواند عامل زمینه ساز باشد و اگر نتوانست تبیین قانع کننده ای ارائه دهد مثلا نباید بلافاصله به سراغ سناریوی پنج سال اول رفته و بگوید "به من بگو در ۵ سال اول با پدرت چگونه بودی تا بگویم چه هستی!!!!!!".

راهبردهای پژوهش

هر پژوهشی بالاخره باید از جایی شروع شود.

(کاپلان، ۱۹۶۴)

شکل گیری و گسترش روند مطالعه ی آسیب های اجتماعی از سوی متخصصین علوم اجتماعی (به خصوص جامعه شناسی) در گذشته به خاطر پیروی از رویکرد پوزیتیویسمی، منجر به این تصور قالبی شده است که اساسا جامعه و شرایط حاکم بر آن علت اصلی آسیب های اجتماعی است. شاید در مواردی از نظر زمانی و مکانی چنین تبیینی درست باشد اما در همان زمان و مکان با وجود رویدادهای یکسان، هستند کسانی که دچار آسیب اجتماعی نشده اند. منشا دیگر تصور قالبی فوق، کاربرد راهبردهای قیاسی و

استقرایی صرف در تولید نظریه و آزمون نظریه‌هاست. البته اتخاذ راهبرد پژوهشی، پایه و اساس هر پژوهشی است (بلیکی، ۲۰۰۰). با این حال راهبردهای متعدد منجر به نتایج مختلفی می‌شود. همانطور که می‌دانیم در راهبرد قیاسی، پژوهش از یک نظریه شروع می‌شود. مثلاً ما نظریه ای داریم دایر بر اینکه "سیر بو دارد". حال اگر فردی (زید) گزارش کرد که "سیر است"، آیا درست است نتیجه بگیریم که "زید بو دارد"؟؟؟ یا اگر پژوهشگری با این رویکرد اقدام به پژوهش کند که فقر منجر به بزهکاری می‌شود، در اصل، پژوهش خود را با استراتژی قیاسی شروع کرده است. مشکل اصلی راهبرد قیاسی، در نظریه‌ها نامعتبر است. در مقابل، راهبرد استقرایی زمانی بکار برده می‌شود که در رابطه با متغیر مورد نظر از قبل، هیچ نوع نظریه‌ای مطرح نشده باشد.

بنابراین پژوهش با مشاهده آغاز می‌شود و از این رو اقدام به مطالعه ی توزیع بزهکاری در نواحی فقیر جامعه می‌کند و با مشاهده ی چندین موردی به این نتیجه‌گیری می‌رسد که فقر، علت اصلی بزهکاری است. مشکل این راهبرد در این است که هر لحظه امکان دارد مشاهده‌ای بر خلاف یافته‌های پژوهشگر پیدا شود و تعمیم را دچار مشکل سازد. اگر پژوهشگر، کم تجربه باشد شاید به تبیین‌های ویژه دست بزند کاری که فال بین‌ها در آن تخصص زیادی دارند در حالی که هنوز دو راهبرد پژوهشی دیگر وجود دارد که در آثار پژوهشی چاپ شده، ردی از آنها دیده نمی‌شود. علت این امر تا حد زیادی ناشی از عدم رهایی از سلطه‌ی تفکر پوزیتیویسمی است. این دو راهبرد عبارتند از راهبرد واپس‌کاوی و راهبرد استفهامی. در راهبرد واپس‌کاوی، هدف، کشف مکانیسم‌های زیر بنایی برای تبیین قواعد مشاهده شده است. از این رو، پژوهش با ثبت و مدل‌سازی یک قاعده و از طریق ساختن مدل فرضی یک مکانیسم، با مشاهده و آزمایش به یافتن مکانیسم واقعی منجر می‌شود. در راهبرد استفهامی هدف از پژوهش، توصیف و فهم زندگی اجتماعی بر اساس انگیزش‌ها و تعابیر کنشگران اجتماعی است. پژوهش از کشف مفاهیم، معانی و انگیزش‌های روزمره‌ی عامیانه شروع و از طریق پروراندن تعبیری فنی از مفاهیم عامیانه به پروراندن یک نظریه و آزمون مکرر آن منجر می‌شود.

مساله‌ی دیگر در ارتباط با راهبردهای پژوهش، استفاده از رویکردهای کیفی در مقابل کمی است. چون برخی از مسایل پژوهشی وجود دارد که از طریق روش‌های کیفی، منجر به نتایج قابل فهم تری می‌شوند در حالی که هنوز بسیاری از پژوهشگران بر کاربرد روش‌های کمی اصرار می‌کنند. در این اواخر گرایش به کاربرد روش‌های کیفی در علوم اجتماعی (به خصوص جامعه‌شناسی) بیشتر شده در حالی هنوز روان

شناسان بر روش های کمی اصرار می کنند. برشت اگر زنده بود و میخواست پژوهش کند حتما جمله ی معروف خود را به این عبارت تغییر می داد "کمی کردن یا نکردن؟ مساله این است.

طرح های پژوهشی در آسیب های اجتماعی

رد آماری یک فرض صفر، فقط بیانگر خطا پذیری نظریه هاست.

آلن. ال. ادواردز (۱۹۷۲)

آزمون معنادار بودن یک فرضیه ی نسبتا آسان است اما یافتن یک فرضیه ی معنادار برای آزمون بسیار دشوارتر است عدم رد آن نیز فقط بیان می کند که آزمایش توان کافی نداشته است.

(کروسکال و ماستر، ۱۹۸۰)

بر اساس هدف پژوهش، آسیب های اجتماعی هم در نقش متغیر مستقل / پیش بین وهم وابسته ملاک تعریف شده است. از نظر پدیدارشناختی، آسیب های اجتماعی، ماهیتا معلول است و بعد از اینکه معلول به عنوان علت سایر ناسازگاری ها در نظر گرفته می شود، از نظر روش شناختی نیز آسیب های اجتماعی در قالب طرح های توصیفی- همبستگی و علی- مقایسه ای، گاهی اوقات همه گیر شناختی، میدانی، اسنادی تحلیل محتوا و در موارد اندکی شبه آزمایشی مورد بررسی قرار گرفته است. موارد آخر در این مقاله، مورد بحث قرار نمی گیرند.

دو مورد اول، در طبقه ی کلی طرح های غیر آزمایشی قرار می گیرند. در این طرح ها، یا روابط بین پدیده ها مطالعه می شوند یا تفاوت بین گروه های واقعی (بزهکار- عادی) یا ساختگی (طبقه بندی گروه های بزهکار و مقایسه آنها). از طرف دیگر، ماهیت روابط مطالعه شده در این طرح ها خطی است؛ یعنی هر قدر خانواده، نابسامان تر باشد همانقدر امکان بزهکار شدن در نوجوان بیشتر است یا اینکه خانواده ی نابسامان منجر به بزهکاری و آسیب اجتماعی می شود. چنین نتیجه گیری های مبتنی بر تفکر خطی یا مدل نقصان در خانواده یا اجتماع است. تمام پژوهش های انجام شده در کشور، مبتنی بر چنین فلسفه ای (پوزیتیوسیم) انجام شده است؛ یعنی به دنبال روابط خطی از نوع غیر علی بوده و سپس نتایج علت- معلولی از آن گرفته شده است. در مقاله ی حاضر، درباره ی کاربرد یافته ها هیچ بحثی به میان نخواهد آمد و این مساله خود موضوع دیگری است.

طرح‌های آزمایشی بدنبال کشف روابط علی بین پدیده‌ها است. در این طرح‌ها، متغیر مستقل دستکاری و نتایج آن در متغیر وابسته مشاهده می‌شود. در مقابل، در طرح‌های غیرآزمایشی، اول متغیر وابسته (معلول) مشاهده و سپس پی به علت (متغیر مستقل) برده می‌شود. از نظر کرلینجر (۱۹۸۶) هدف اصلی هر دو طرح اثبات اعتبار تجربی گزاره‌های شرطی اگر پس است. تفاوت اصلی این دو طرح، در دستکاری متغیر مستقل است. کرلینجر معتقد است که یکی از مغالطه‌هایی که بیشترین خطر را برای علم دارد مغالطه‌ی "پس از این" یا استنتاج "به این سبب" است. کرلینجر این کار را شبیه به این استنباط می‌داند که "اگر چتر باخود بردارم باران نخواهد آمد" یا "بزهکاران به دلیل نبودن انضباط در مدارس بزهکار می‌شوند. چون علل احتمالی زیادی را برای بزهکاری می‌توان در نظر گرفت که شاید فقدان انضباط یکی از آنها باشد در حالی که نتیجه‌گیری بر اساس این مطالعه، منجر به عدم در نظر گرفتن علل احتمالی دیگر می‌شود. کرلینجر در عبارت زیر به درستی چنین بیان می‌کند که:

"دانشمندان علوم اجتماعی و دانشمندان تعلیم و تربیت، اغلب با مساله‌ی استدلال نادرست پس تجربه مواجه‌اند. جامعه‌شناسی که در پی کشف علل بزهکاری است، می‌داند که در مطالعه‌ی این مساله، باید دقت فوق‌العاده به عمل آورد. زندگی در نقاط فقیر و پرجمعیت، خانواده‌های متلاشی، فقدان محبت، به تنهایی یا ترکیب همه‌ی آنها، علت‌های احتمالی بزهکاری به شمار می‌رود. روان‌شناسی که در جستجوی کشف ریشه‌های شخصیت در دوره‌ی بزرگسالی است حتی با مساله‌ی ظریف‌تری روبه‌روست: صفت‌های ارثی، روش‌های کودک پروری، عوامل موثر آموزشی، شخصیت والدین و مقتضیات محیطی، همگی تبیین منطقی برای خصایص شخصیتی محسوب می‌شوند" (کرلینجر، ۱۹۸۶). خطر این مغالطه، منجر به تفاسیر نادرست می‌شود. پژوهش علمی، سه ویژگی بسیار متمایزکننده دارد. روشهای پژوهشی غیر آزمایشی حداقل فاقد یکی از این ویژگی‌هاست. این سه ویژگی، عبارتند از کنترل کردن، نظامدار و تجربی بودن. طرح‌های غیرآزمایشی به طور مثال فاقد کنترل کردن یا حداقل کنترل است. یا روشهای فهم عامه که به اشتباه عقل سلیم ترجمه شده است، فاقد هر سه ویژگی است.

از طرف دیگر، در پژوهش‌های غیرآزمایشی، جایگزینی یا گمارش تصادفی آزمودنیها و اعمال تصادفی تدابیر آزمایشی وجود ندارد. بلکه خود آزمودنیها باید گروهشان را انتخاب کنند یا قبلاً گروهها شکل گرفته باشد. پژوهشگر، آنها را بر اساس خصیصه‌های خاص مورد نظرش انتخاب می‌کند و در اینجاست که مساله‌ی خود-انتخابی رخ می‌دهد. خود انتخابی، به دو نوع تقسیم می‌شود: خود-انتخابی نمونه‌ها و

خود- انتخابی گروههای مقایسه. به طور کلی، پژوهش غیرآزمایشی سه محدودیت عمده دارد: (۱) عدم دستکاری متغیرهای مستقل (۲) عدم جایگزینی تصادفی (۳) خطر تفسیر اشتباه یا ناکافی یافته ها. مرتون (۱۹۴۹ از کرلینجر، ۱۹۸۶) اظهار می کند که تبیین های پس رویدادی، به سبب انعطاف پذیری زیادی که دارند ابطال پذیر نیستند. مشاهده ها هر چه باشد، تفسیرهای تازه ای برای آنها می توان یافت که با داده ها برازش داشته باشند. البته ممکن است مسایل فوق، نظر برخی از منتقدان را نیز برانگیزد. مخالفت اصلی منتقدان می تواند از نقطه نظر مسایل اخلاقی و عدم امکان دستکاری آزمایشی متغیرها نشأت بگیرد. نویسنده نیز قویا بر چنین مساله ای اذعان دارد و قبل از منتقدان خودش را مورد انتقاد قرار می دهد. به عنوان مثال اگر پژوهشگری بخواهد تاثیر عوامل اجتماعی- اقتصادی بر بزهکاری را مورد پژوهش قرار دهد، از لحاظ اخلاقی و دستکاری متغیر وضعیت اجتماعی- اقتصادی، نمی تواند چنین موضوعی را از طریق طرح های آزمایشی مطالعه کند. یعنی مثلا نمی تواند خانواده ها را از لحاظ وضعیت اجتماعی- اقتصادی در حالت پایین، متوسط یا بالا، کم یا زیاد کند. بلکه، تنها می تواند سطوح مختلف چنین متغیری را که قبلا تحت شرایط اجتماعی- اقتصادی یا بحران های موجود در آن به طور غیر عادی شکل گرفته اند انتخاب و آنها را از نظر بزهکاری فرزندان مورد مقایسه قرار دهد.

مهم ترین انتقاد علیه چنین پژوهشهایی، استنباط علی از روابط بین پدیده هاست. نقایصی که در پژوهش های انجام شده در داخل کشور پیرامون آسیب های اجتماعی وجود دارد از نوع همان محدودیتهایی است که برای طرح های علی- مقایسه ای (یا به طور کلی طرح های غیرآزمایشی) بیان کردیم. در کنار نقایص ذاتی چنین طرح هایی و استنباط روابط علی از آنها، مشکلات دیگری نیز مانند عدم توجه به رفع حداکثر نواقص مطرح شده طرح می شود که مانع از رسیدن به یافته ها و نتایج معتبر می شود؛ یعنی چنین پژوهش هایی فاقد حداکثر (اگر خوش بین باشیم) اعتبار درونی و بیرونی است. مرور نتایج بدست آمده در چندین مقاله چاپ شده در مجلات علمی- پژوهشی گویای چنین نکته ای است و فعلا از بیان آنها صرف نظر می کنیم. در مورد مطالعات همبستگی نیز همین شرایط با قدری تفاوت برقرار است. اکثر مطالعات، بدون در نظر گرفتن متغیرهای کنترل و میانجی انجام شده و نتایج مورد تفسیر قرار می گیرد. در این حالت نتایج منجر به همبستگی کاذب و یا تفسیر کاذب از همبستگی می شود.

پژوهشگر، به جای استفاده از روشهای تفکیکی، نیمه تفکیکی، تحلیل مسیر و تحلیل میانجی از روشهای ساده ی پیرسون و رگرسیون چند متغیری استفاده می کند و حتی گزارش آماری این روشها نیز ناقص است.

همچنین در مورد طرح‌های همبستگی باید متذکر شد که گزارش اندازه‌ی اثر (یعنی ضریب تعیین و مجذور اصلاح شده همبستگی چندگانه) از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا این آماره، مقدار واریانس مشترک بین دو متغیر را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه‌ای از وضعیت پژوهش‌های اجتماعی مربوط به آسیب‌های اجتماعی در کشور، به مرور فراتحلیلی (۴) صدیق سروستانی (۱۳۷۹) اشاره می‌کنیم. وی در چکیده‌ی پژوهش خود چنین اظهار می‌کند: "پژوهش‌های مربوط به حوزه آسیب‌های اجتماعی در کشور ما تقریباً همزاد با طرح مباحث مربوط به جامعه‌شناسی است. پژوهشگران متعددی تلاش کرده‌اند تا آنچه را که به نظر آسیب اجتماعی آمده مورد مطالعه قرار داده و علل و عوامل و پیامدهای آن را ارزیابی کنند اما این پژوهش‌ها، همانند کندوکاوهای سایر حوزه‌های علوم انسانی از روش معینی پیروی نکرده و بیشتر تابع سلیقه و علاقه‌ی پژوهشگر بوده است".

سایر یافته‌های سروستانی به شرح زیر است:

۱. تنها ۴۰ درصد پژوهش‌ها از لحاظ رعایت معیاربندی عناصر پژوهش امتیاز بالایی داشتند و ۲۰ درصد دیگر فاقد ارزش و استحکام علمی بوده‌اند.
۲. وجود تضاد بین موضوع پژوهش با اهداف، مبانی نظری و تجربی روش‌شناسی
۳. در ۳۷/۵ درصد شیوه‌ها و مراحل پژوهش به درستی تعریف نشده است.
۴. مبانی نظری در ۲۵ درصد پژوهش‌ها بدرستی رعایت نشده است.
۵. وجود حشو و زوائد خارج از موضوع در پژوهش‌ها (۵۰ درصد)
۶. ابهام در بیان و رد فرضیه‌ها
۷. عدم استفاده از فنون مطلوب و پیشرفته تجزیه و تحلیل اطلاعات روش‌های پیشرفته
۸. در حوزه نتایج تحلیل تنها در ۳۷/۵ درصد از پروژه‌ها نتایج متقن و معتبر ارائه شده است. سایر یافته‌ها یا بنیان علمی نداشته‌اند یا فاقد بنیان نظری بوده‌اند.
۹. تعمیم یافته‌ها خارج از ارتباط با مسایل اجتماعی قابل تبیین بوده و تعمیم‌ها افراطی مطرح شده‌اند.
۱۰. در ۲۵ درصد پژوهش‌ها راه کارهای معتبر و تحقق‌پذیر ارائه شده است.
۱۱. ۲۰ درصد پژوهش‌ها فاقد مبانی نظری هستند.
۱۲. از ۴۰ پژوهش مورد مطالعه، ۷/۸ درصد رویکرد زیست‌شناختی ۱۵/۷ درصد روان‌شناختی و ۷۶/۴ درصد جامعه‌شناختی داشته‌اند.

کلمه "علت" آن چنان با تداعی های گمراه کننده و به گونه ای غیر قابل گشایش گره خورده است که بهتر است از فرهنگ لغات فلسفی بیرون رانده شود... علت اینکه فیزیک از جستجوی "علت" دست کشیده است آن است که در حقیقت، چنین چیزی وجود ندارد. قانون علیت ... یک یادگار باستانی از دوره های گذشته است که مانند حکومت مطلقه ی غربی تنها به این دلیل که به غلط گمان می رود زیانبخش نیست به هستی خود ادامه می دهد.
(از کرلینجر، ۱۹۸۶).

بحث و نتیجه گیری

به طور کلی از مباحث مطرح شده نتایج زیر منتج می شود:

۱. اکثر پژوهش های انجام شده متکی بر رویکرد های واحد انجام شده اند.
 ۲. روح غالب بر اکثر پژوهش ها، پارادایم پوزیتیویسم است.
 ۳. اکثر پژوهش ها از راهبرد قیاسی و در موارد محدودی از استقرایی استفاده کرده اند.
 ۴. طرح های پژوهشی اکثر مطالعات از نوع علی-مقایسه ایی و همبستگی است.
 ۵. روش های تجزیه و تحلیل اکثر مطالعات از نوع کمی است.
 ۶. از یافته های اکثر پژوهش های علی-مقایسه ایی و همبستگی تفسیر های علی به عمل آمده است.
- اگر بخواهم بالطبع پیشنهادی بدهم باید بگویم که در جهت رفع نقایص مطرح شده اقدام شود. پژوهشگران حوزه های جامعه شناختی و روان شناسی باید در جهت آشنایی، تبادل نظر و تشریک مساعی در مسایل پژوهشی مشترک اقدام کنند. پیشنهاد می شود آثار زیر به دقت از سوی طرفداران دو اردوگاه مطالعه شود:
۱. مبانی پژوهش در علوم رفتاری. فردان کرلینجر،
 ۲. طراحی پژوهش های اجتماعی. نورمن بلیکی
 ۳. تحلیل های پیشرفته آماری
 ۴. کاربرد روشهای کیفی

منابع

- بلیکی، نورمن. (۲۰۰۰). طراحی پژوهش های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان (۱۳۸۴). تهران: نشر نی.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۳). روان شناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات.
- صدفی، ذبیح الله؛ و مهدوی، صادق. (۱۳۷۴). بررسی عوامل موثر در انحرافات اجتماعی با تکیه بر عوامل خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی موثر بر بزهکاری نوجوانان. پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ۱۷.

کرلینجر. فرد، ان. (۱۹۸۶). *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند (۱۹۸۶). تهران: انتشارات آوای نور.

کواراسوس. سی، و. (۱۹۹۶). *بزهکاری نوجوانان*. ترجمه ابراهیم رشیدپور، ۱۳۴۴. تهران: دانشگاه تهران. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

Edwards, A., L. (1967). *Statistical Analysis for Student in Psychology and Education*. New York: Holt, Rinehart and Winston

Kaplan, A. (1964). *The Conduct of Inquiry: methodology for behavioral Science*. Sanfrancisco: Chandler

Kruskal, W. H., & Mosteller, F. (1980). Ideas of Sampling. In R. A. Shweder & Fiske, D.W. (Ed). *New Direction for Methodology in Social and Behavioral Science*. Sanfrancisco: Jossey-Bass

Shoemaker, D., J. (2010). *Theories of Delinquency*. NY: Oxford University Press.